

کارکردهای علمی و فرهنگی رباط‌های بغداد در عصر چهارم عباسی (۶۵۶ - ۴۴۸ ق)

عباس فروغ آئین* / علی اکبر عباسی**
اصغر فروغی ابری*** / مجتبی خلیفه****

چکیده

رباط‌ها در قرون اول اسلامی استفاده نظامی داشتند و سپس به منزله خانقاه و محل عبادت صوفیان بود. به رباط‌ها به این دو نوع کارکرد توجه شده و از نظر علمی و فرهنگی به آن پرداخته نشده است. پژوهش حاضر در نظر دارد که با واکاوی رباط‌های مختلف بغداد در عصر چهارم خلافت عباسی (۶۵۶ - ۴۴۸ ق)، به روش توصیفی - تحلیلی، به این سوال پاسخ دهد که آنها در زمینه علمی و فرهنگی چه کارکردهایی داشتند؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رباط‌های بغداد بیشتر در زمینه‌های علوم شرعی و نقلی مانند: وعظ، قرائت قرآن، استماع حدیث، روایت، فقه، صدور مجوز و ... فعالیت داشتند. وجد و سماع از ویژگی ممتاز رباط‌ها بود. کتابخانه رباط‌ها به مکان مناسبی برای مطالعه، تحقیق، تألیف کتاب، ملاقات و مناظره علما با یکدیگر تبدیل شد. زنان صوفی فعالیت فراوان و رباط مخصوص خود داشتند. رباط‌های بغداد در آن دوره به‌عنوان یکی از مراکز مهم آموزشی محسوب می‌شدند که نقش به‌سزایی در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کردند.

واژگان کلیدی

رباط‌های بغداد، عصر چهارم عباسی، زنان صوفی، کتابخانه رباط‌ها، کارکردهای علمی رباط، کارکردهای فرهنگی رباط.

abbas_foroghi@yahoo.com
aa.abbasi@ltr.ui.ac.ir
a.foroughi@ltr.ui.ac.ir
mkhalifeh@birjand.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.
**. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).
***. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.
****. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷

طرح مسئله

رباط کلمه‌ای عربی است که برای اولین بار در قرآن کریم و به معنی بستن اسبان به کار رفته است.^۱ این واژه پس از اسلام و باتوجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و دینی معنا و کاربردهای متفاوتی داشته است. رباطها تا قرن چهارم هجری در مرزهای سرزمین‌های اسلامی و از جمله عراق به‌عنوان پادگان نظامی، محل نگهداری اسب و آذوقه و برای تدارک حمله به سرزمین‌های کفار و توسط حکام ساخته شد.^۲ سبک معماری رباطها در ابتدا ساده و به‌صورت بنایی مستطیل‌شکل در نقاط بدون حفاظ مرزی با برج‌های نگهبانی در گوشه‌ها بود.^۳ در ساده‌ترین شکل، شامل یک دیوار محکم در اطراف، اتاق‌های زندگی، انبار اسلحه، انبار تدارکات و برجی برای علامت دادن بود.^۴

پس از ثبات سیاسی و کاهش فتوحات، رباطها جنبه نظامی خود را از دست دادند و از اواخر قرن چهارم هجری جزء مشترکات عمومی بود و به محلی برای عبادت و به منزله خانقاه جهت سکونت صوفیان و طلاب فقیر تغییر کرد.^۵ شیوخ در آنجا خواندن، نوشتن و آداب دین و تصوف را به صوفیان می‌آموختند.^۶ تأمین هزینه آنها بیشتر از طریق وقف، اعطای حاکمان، علما و خیران بود.

رباطها از اواخر قرن پنجم و به خصوص در قرن ششم و هفتم هجری به مراکزی برای تعلیم و تربیت تبدیل شد. در این دوره خاندان خلافت عباسی، کارگزاران حکومت از جمله وزرا و امراء دانشمندان، مشایخ صوفیه و حتی زنان دربار (خواتین) نیز در ساخت و اداره رباطها نقش داشتند.^۷ رباطها دارای امکانات مناسبی مانند کتابخانه، حمام، بستان و اتاق‌هایی جهت سکونت شیخ و مریدان بود.^۸ رباطها تا حدود قرن هفتم، دارای معماری خاص و شامل مسجد، خلوات یا حجره‌ها، آشپزخانه، حمام و دارالضیافه بودند.^۹

۱. اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ. (انفال، ۶۰)

۲. لباف خانیکی، *دگردیسی در مفهوم و کاربری رباط*، ص ۹۲ - ۹۱؛ سیدحمزه، «رباط، بنایی نظامی در راه‌های تاریخی»،

فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی، ص ۳۱.

۳. محمد، *مساجد مصر*، ج ۱، ص ۴۱۳.

۴. سیدحمزه، «رباط، بنایی نظامی در راه‌های تاریخی»، *فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی*، ص ۳۷.

۵. لباف خانیکی، *دگردیسی در مفهوم و کاربری رباط*، ص ۹۲؛ سیدحمزه، «رباط، بنایی نظامی در راه‌های تاریخی»،

فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی، ص ۳۲؛ شریفی اشکوری، *فقرات فقهیه*، ج ۷، ص ۲۱۷.

۶. طللس، «بنگاه‌های دیگر آموزشی اسلامی»، *نشریه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)*، ص ۲۸.

۷. قربان نژاد، «بانیان و مشایخ رباط‌های بغداد و تاثیر آنها در تصوف»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ص ۲۰۹ - ۲۰۸.

۸. واعظ کاشفی، *رشحات عین الحیات*، ج ۱، ص ۳۲؛ اقبال آشتیانی، *تاریخ مغول*، ص ۴۲۵؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*،

ج ۱۸، ص ۳۲.

۹. دراجی، *الربط و التکایا البغدادیة فی العهد العثماني*، ج ۱، ص ۲۰۷.

به‌طور کلی فقه‌های اهل سنت و به‌خصوص حنابله نظر مساعدی نسبت به تصوف و صوفیه نداشتند، چنان‌که اولین انتقاد از صوفیان را پیشوای مذهب فقهی حنبلی، احمد بن حنبل انجام داده و بیشترین حملات از جانب این مذهب نسبت به برخی صوفیان صورت گرفته است،^۱ ولی امام شافعی از برخی صوفیان به نیکی یاد کرده است.^۲ به‌طوری‌که ایشان می‌گوید: «با صوفیه مصاحبت و دوستی کردم و از سه کلمه آنها استفاده کردم، اول اینکه ...»^۳ در جایی دیگر اذعان دارد که در دنیا سه چیز را دوست دارم که یکی از آنها اقتداء و تأسی به راه و روش اهل تصوف است.^۴ به همین جهت در میان مذاهب اهل سنت بیشترین گرایش به تصوف را فقها، محدثان و وعاظ شافعی داشتند؛ زیرا فقه شافعی با تعالیم صوفیانه قرابت بیشتری داشت و نیز با حضور بزرگان شافعی در مدارس نظامیه، بسیاری از این فقها در رباط‌ها رفت‌وآمد داشتند و یا با عنوان شیخ ساکن شدند.^۵ در حوزه بغداد، فعالیت‌های فرهنگی و علمی در رباط‌ها بیشتر بود، زیرا رباط‌های صوفیه تحت حمایت خلفای عباسی و با اندک تفاوتی به‌صورت مدارس دینی اداره می‌شد. چنان‌که رباط عزالدین ابی‌الحسن (متوفی ۵۰۰ ق)، به‌سبب فعالیت فراوان علمی، به نام مدرسه سعادت هم خوانده می‌شد.^۶ محیط علمی و فرهنگی رباط‌های بغداد و آوازه آنها باعث شد که علما و صوفیان از کشورهای دیگر اسلامی به این شهر سفر کنند. چنان‌که ابن عربی صوفی و محدث بزرگ در سال ۶۰۸ ق. از اندلس به بغداد مسافرت کرد و در رباط ابوسعید با امام محمد غزالی مباحثه نمود و نزدش درس خواند.^۷ البته جنبه دینی و معنوی رباط‌ها بیشتر بود و همین باعث شده که برخی آنها را تنها مراکزی برای اقامت طلاب و فراگیران بدانند و آنها را مانند خانقاه‌های کنار مدارس، مراکزی برای رسیدگی به امور دانشجویان و نیازمندان معرفی کنند.^۸ پس از سقوط خلافت عباسی در سال ۶۵۶ ق، رباط‌ها رونق خود را از دست دادند و برعکس، جریان صوفیه رونق بیشتری گرفت؛ به همین جهت رباط‌ها به خانقاه‌های صوفیان تبدیل شدند.

نهضت صوفیه در این دوره گسترش یافت و عوامل مختلفی در آن نقش داشت که در واقع بیشتر

۱. بن عامر، *مواقف الفقهاء من الصوفية في الفكر الاسلامي*، ج ۱، ص ۳۸ - ۳۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۸.

۳. سیوطی، *تأیید الحقیقة العلیة و تشیید الطریقة الشاذلیة*، ص ۱۲.

۴. عجلونی، *کشف الخفاء و مزیل الالباس*، ج ۱، ص ۳۴۱.

۵. قربان نژاد، «بانیان و مشایخ رباط‌های بغداد و تأثیر آنها در تصوف»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ص ۲۲۳.

۶. ابن فوطی، *مجمع الآداب*، ج ۱، ص ۱۸۲ و ج ۲، ص ۵۴۲.

۷. مقرئ، *نفخ الطیب*، ج ۲، ص ۲۰۵ و ۲۱۲.

۸. غنیمه، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ص ۳۶۳.

به دلیل اهداف سیاسی و مذهبی بود. گرایش غزالی به تصوف تأثیر زیادی در این باره داشت.^۱ از طرفی دیگر حرکت آنان در راستای دعوت خالصانه به زهد و عبادت و به دور از اختلافات و تعصبات فرقه‌ای بود. به همین جهت مواضع صوفیان مورد تأیید خلفای عباسی و حاکمان سلجوقی قرار گرفت و به حمایت و تشویق و ساخت رباط برای آنان پرداختند. در عراق و مخصوصاً در بغداد رباط‌های فراوانی توسط خلفا، وزراء، زنان دربار عباسی و سلاجقه با امکانات فراوان ساخته شد.^۲ اداره آنها به دست مشایخ حتی زنان صوفی سپرده شد. حتی پس از پایان حکومت سلجوقیان، ساخت رباط‌ها ادامه یافت و آنها میراثی از بناهای سلجوقی و نمونه‌ای برای پیروی از سبک و هدفی بود که برای آن ساخته شد. برخی از محققین، تعداد رباط‌های بغدادی را سی و پنج مورد شمرده و البته محدود به این نمی‌دانند.^۳

پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اهمیت رباط‌های بغداد و نقش آنها در تعلیم و تربیت، به دنبال پاسخ به این سؤال است که رباط‌های بغداد در عصر چهارم عباسی چه کارکردهای علمی و فرهنگی داشتند؟ روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است که با تکیه بر منابع مکتوب و دست اول مانند تواریخ عمومی و محلی، وفيات، فرهنگ نامه‌ها، معاجم، سفرنامه‌ها، طبقات، انساب و ... انجام شده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش جامع و مستقلی در این مورد انجام نشده است، اما پژوهش‌هایی به صورت کتاب و مقاله نزدیک به این موضوع نوشته شده است. مقاله «الرُّبُطُ البَغْدَادِيَّةُ وَ أَثْرُهَا فِي الثَّقَافَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ» از مصطفی جواد (۱۹۵۵ م.) در مجله سومر به صورت توصیفی و بدون تحلیل چاپ شده است که در آن فقط به معرفی یازده مورد از موقعیت جغرافیایی رباط‌ها، مؤسس و صوفیان ساکن در آن می‌پردازد و اشاره چندانی به کارکردهای علمی و آموزشی ندارد. عمر سلیم عبدالقادر کتاب *متنصوفه بغداد فی القرن السادس الهجری* (۱۴۳۰ ق.) را نوشته که معرفی چند مورد از رباط‌هاست و به سه جریان قادریه، رفاعیه و سهروردیه اشاره دارد. رجب علی لباف مقاله‌ای با عنوان «دگرذیسی در مفهوم و کاربری رباط‌ها» دارد (۱۳۷۹ ش.) که در نشریه تحقیقاتی جغرافیایی چاپ شده است و به تغییرات کاربری واژه رباط پرداخته است. مقاله «رباط، بنایی نظامی در راه‌های تاریخی» از مریم سید حمزه و بهمن سلطان احمدی (۱۳۹۸ ش.) به کارکرد

۱. زرین کوب، *تصوف ایرانی از منظر تاریخی آن*، ص ۴۵.

۲. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۲، ص ۲۶ و ۱۰۴؛ سبط بن جوزی، *مرآة الزمان*، ج ۸، ص ۴۲۲؛ ابن سنجر، *تجارب السلف*، ص ۳۲۱؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۴۶؛ ذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۳۷، ص ۳۷۰ - ۳۷۱ و ج ۴۲، ص ۱۵۴؛ ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۲، ص ۴۷۸.

۳. جواد، «الرُّبُطُ البَغْدَادِيَّةُ وَ أَثْرُهَا فِي الثَّقَافَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ»، *مجله سومر*، المجلد العاشر، ص ۲۴۸ - ۲۴۹.

نظامی و دفاعی آن اشاره کرده است. مقاله «بانیان و مشایخ رباط‌های بغداد و تاثیر آنها در تصوف قرن ۶ و ۷ ق.» از پریسا قربان‌نژاد (۱۳۹۹ ش.) که به نقش بانیان و مشایخ بغداد و تأثیر آنها در تصوف پرداخته و به کارکرد فرهنگی و تربیتی رباط‌ها اشاره بسیار کوتاه و جزئی دارد. مقاله «رباط، بنا» از نادر کریمیان در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی با آخرین ویرایش در ۱۳۹۹ به‌طور خلاصه به بررسی پیشینه رباط، معماری آن و چند مورد از رباط‌های شاخص می‌پردازد. احمد منیرالدین کتاب *نهاد آموزش اسلامی* (۱۳۸۴ ش) را بر اساس کتاب *تاریخ بغداد* خطیب بغدادی (وفات ۴۶۳ ق) نوشته است که محمدحسین ساکت آن را ترجمه و سه پیوست به پایان کتاب اضافه کرده است. در این کتاب به شالوده آموزش و نهادهای آموزشی پیش از مدرسه، جایگاه اجتماعی دانشمندان، زندگینامه و آثار علمی و فرهنگی همه دانشمندان که تا قرن پنج هجری وارد بغداد شده‌اند، اشاره دارد. در حالی که بازه زمانی مقاله، دوره چهارم خلافت عباسی یعنی از نیمه دوم قرن پنجم هجری از ورود سلجوقیان به بغداد (۴۴۸ ق) تا سقوط آن به دست هلاکو خان مغول (۶۵۶ ق) می‌باشد. باتوجه‌به اینکه کسی به رباط‌های بغداد از منظر فرهنگی و علمی نپرداخته، پس برای پوشش این خلأ و معرفی بخشی از تاریخ و فرهنگ اسلامی پرداختن به این مهم ضرورت می‌یابد.

ساخت رباط‌ها در عهد چهارم خلافت عباسی

در این دوره رباط‌های متعددی در بغداد ساخته شد که از جمله می‌توان به رباط‌های: زوزنی، حریم طاهری، مرزبانیه، أخلاطیه، الخدم، الأبری، ارجونیه، ابی‌سعد، دار الفلک، بنفشه و بدیع اشاره کرد. نخستین رباط به نام زوزنی، مُصلایی در مقابل جامع منصور بود که در قرن چهارم هجری و در قسمت غربی بغداد برای علی بن محمود بن ابراهیم صوفی (متوفی ۴۵۱ ق) ساخته شد؛ زیرا سنش زیاد بود و نمی‌توانست که به مسجد جامع بیاید. جدش ماخره، زرتشتی ولی خودش شافعی‌مذهب و از استادان خطیب بغدادی بود.^۱ مشایخ زیادی مانند ابوالوفاء فیروزآبادی (متوفی ۵۲۸ ق) ساکن در این رباط بودند.^۲ این رباط تا سال‌ها بعد هم باز بود و واعظان و محدثان زیادی در آنجا به فعالیت مشغول بودند. به‌طوری‌که تا قرن شش هجری به یک مرکز علمی و آموزشی تبدیل شد و خدمات بزرگی در گسترش فرهنگ اسلامی داشت.^۳

۱. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۴، ص ۲۸۵ و ج ۱۶، ص ۵۹؛ سمعانی، *الانساب*، ج ۶، ص ۳۴۴؛ حنبلی، *سدرات الذهب*، ج ۵، ص ۲۲۳ - ۲۲۲؛ ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۰، ص ۹؛ ابن خطیب، *تاریخ بغداد*، ج ۱۲، ص ۱۱۵ - ۱۱۴؛ ابن فوطی، *الحوادث الجامعة*، ص ۱۳ - ۱۲؛ مرتضی زبیدی، *تاج العروس*، ج ۱۸، ص ۲۶۷.

۲. ابن کثیر، *البدایه و النهایه*، ج ۱۲، ص ۲۰۶.

۳. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۹۳، ۱۶۲ و ۲۳۸؛ ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۱، ص ۴۱۶.

گرایش به تصوف و علاقه به صوفیان در این دوره چنان فراگیر شد که غیر از خلفا و زنان دربار، وزیران و رجال دولت عباسی هم به ساخت رباط اشتیاق یافتند. رباطها به وسیله اموال و موقوفات اداره می‌شد.^۱ برخی از خلفای عباسی مانند ناصر لدین الله به تصوف، صوفیان و ساخت رباط علاقه بیشتری داشتند و برای آنها موقوفات و امکاناتی تعیین کرده بودند. رباط حریم طاهری یکی از بهترین رباطهایی بود که توسط همین خلیفه در سال ۵۸۹ ق. در سمت غربی بغداد بر پا شد.^۲ وی رباط مرزبانیه را در جانب غربی بغداد بر ساحل نهر عیسی برای اقامت خود پس از کناره‌گیری از خلافت ساخت^۳ و در سال ۵۸۴ ق به نام همسرش سلجوقیه خاتون، رباط رمله را بنا کرد که در سال ۵۸۵ ق. افتتاح شد و به رباط اخلاطیه یا خَلاطیه هم مشهور بود.^۴ رباط المُستجد یا الخدم یکی از مشهورترین رباطها که در زمان سلجوقیان در ساحل دجله ساخته شد. این رباط در تربیت صوفیان و نشر اصول و مبادی آنان تأثیر زیادی داشت. ابوالحسن غیثی ملقب به مجاهدالدین بهروز (متوفی ۵۴۰ ق) خادم مسعود سلجوقی بود که بیش از سی سال ولایت عراق و شحنگی بغداد را بر عهده داشت. وی کارهای عمرانی زیادی انجام داد.^۵ از جمله دو رباط ساخت و موقوفات خوبی بر آنها قرار داد. یکی در ساحل دجله، نزدیک بازار مدرسه نظامیه^۶ و دیگری رباط المُستجد معروف به الخدم در قسمت غربی بغداد قرار داشت.^۷ ابوالفتح احمد غزالی یکی از واعظان مشهور این رباط بود. جلسات و عطا او چنان بلیغ و رسا بود که عوام هم استقبال می‌کردند. از جمله مجالس مشهور او، مجلس و عطش نزد سلطان محمود سلجوقی بود که در ازای آن سلطان به او هزار دینار داد.^۸ محمد بن مظفر بن علی (متوفی ۵۴۲ ق) به تصوف گرایش داشت و خانه خود را که در دارالخلافه بغداد بود به رباطی برای صوفیان تبدیل کرد.^۹ علی بن محمد ذربنی مشهور به ابن‌الأبری و ثقة الدوله از اعیان و خواص خلیفه مقتفی، رباطی به بنام رباط ابری در محله باب الأرج بغداد برای

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۵۹؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۱۴۵ و ج ۱۸، ص ۱۰۸.

۲. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۱۲، ص ۱۰۴؛ سبط بن جوزی، *مروآة الزمان*، ج ۸، ص ۴۲۲.

۳. ابن‌ساعی، *الجامع المختصر*، ص ۵۸؛ ابن فوطی، *کتاب الحوادث*، ص ۳۴.

۴. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۱۲، ص ۲۶؛ سبط بن جوزی، *مروآة الزمان*، ج ۸، ص ۴۲۲؛ ابن‌سنجر، *تجارب السلف*، ص ۳۲۱.

۵. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۴۶؛ ابن‌دیبی، *ذیل تاریخ مدینة السلام*، ج ۳، ص ۲۶.

۶. ابن فوطی آن را رباط الدرجه می‌نامد (ابن فوطی، *مجمع الاداب*، ج ۴، ص ۳۶۲). در حالی که رباط الدرجه را علی بن

حسن بن علی بن صدقه ساخت. (حموی، *معجم الادباء*، ج ۴، ص ۱۶۸۹ - ۱۶۸۸)

۷. ابن‌تقری، *نجوم الزاهرة*، ج ۵، ص ۲۷۷؛ سبط ابن‌جوزی، *مروآة الزمان*، ج ۱، ص ۲۷؛ ابن‌جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸،

ص ۴۶؛ ابن‌دیبی، *ذیل تاریخ مدینة السلام*، ج ۳، ص ۲۶؛ ابن فوطی، *مجمع الاداب*، ج ۲، ص ۱۲۴.

۸. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۲۳۸ - ۲۳۷.

۹. همان، ج ۱۸، ص ۶۱؛ ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۱۱، ص ۱۲۳.

صوفیان ساخت و اوقاف خوبی برای آنها برجای نهاد.^۱ ابوالغنائم بن محلبان از رجال دولت عباسی، رباطی برای ابوالحسن بسطامی صوفی بنا کرد.^۲ عماد الدین صندل بن عبدالله معروف به مقتفوی (متوفی ۵۹۳ ق) از مقربان دربار خلیفه مقتفی و مستضی بود و عنوان «استاد الدار» داشت در قسمت غربی بغداد رباطی ساخت.^۳ فخرالدوله بن مطلب که پدرش وزیر خلیفه بود و خودش از کودکی به تصوف گرایش داشت، رباطی در قسمت شرقی و مسجدی در قسمت غربی بغداد بنا نهاد.^۴

نقش زنان در ساخت و اداره رباط‌ها

در این دوران بسیاری از زنان صوفی در رباط‌ها سکونت یافتند. زنان دربار خلافت عباسی نیز در ساخت رباط همکاری می‌کردند. ارجوان مادر خلیفه مقتدی (متوفی ۵۱۲ ق) رباطی در خیابان متنبی بغداد ساخت.^۵ یکی از واعظان آن ابوالفتح اسفراینی معروف به ابن‌المعتمد (متوفی ۵۳۸ ق) بود که در سال ۵۱۶ ق. ابتدا وارد رباط ابی‌سعد صوفی شد.^۶ او چنان در میان شافعیان و اشعریان مقبولیت یافت که حتی خلیفه مسترشد در مجلس وعظش حضور می‌یافت و رباط ارجونیه را در اختیار او گذاشت.^۷ خاتون همسر مستظهر در سال ۵۵۱ ق. رباطی در باب الأزج برای علی بن حسین غزنوی ساخت و موقوفاتی بر آن قرار داد.^۸ سیده زمرد خاتون (متوفی ۵۹۹ ق) مادر خلیفه ناصر هم با حمایت او توانست مساجد، مدارس و رباط‌هایی را بنا کند.^۹ او در سال ۵۷۹ ق. در کنار قبر صوفی مشهور کرخی رباط مامونیه بنا نهاد و اداره آن را به شهاب‌الدین سهروردی سپرد.^{۱۰} زنان نیز دارای رباط مخصوص به خود بودند و زنان واعظ، صوفی و محدث زیادی در آنجا به تعلیم و تربیت مشغول بودند. مانند رباط بنفشه که مخصوص زنان بود که در سال ۵۷۳ ق. توسط همسر خلیفه مستضی بنا شد. او زنی بسیار نیکوکار و بخشنده بود.^{۱۱} این رباط در اول رجب افتتاح و به خواهر ابوبکر

۱. ذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۳۷، ۳۷۱ - ۳۷۰ و ج ۴۲، ص ۱۵۴؛ ابن‌خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۲، ص ۴۷۸.

۲. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۱۰، ص ۳۰۱؛ ابن‌فوطی، *حوادث الجامعة*، ص ۱۸ - ۱۷؛ ابن‌جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۵۷.

۳. ابن‌فوطی، *تلخیص مجمع الآداب*، ج ۴، ص ۱۰۴.

۴. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۱۱، ص ۴۹۱.

۵. همان، ج ۱۷، ص ۲۱۰؛ ابن‌فوطی، *حوادث الجامعة*، ص ۱۱۳؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳۵، ص ۳۲۹.

۶. ابن‌جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۲۱۰.

۷. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳۵، ص ۲۹۶؛ ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۱۰، ص ۶۰۵.

۸. ابن‌جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۱۰۸.

۹. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۱۲، ص ۱۸۴.

۱۰. سبط بن جوزی، *مرآة الزمان*، ج ۸، ص ۳۶۵، ۵۱۳.

۱۱. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۱۲، ص ۱۷۸؛ ابن‌جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۲۱۱.

صوفی تقدیم کرد و اموالی را بر آن قرار داد.^۱ رباط دار الفلک نیز خلیفه ناصر در بغداد در حدود سال ۵۸۶ ق برای زنان صوفی اختصاص داد.^۲ فاطمه بنت حسین (متوفی ۵۲۱ ق) واعظی عابد و دارای رباطی بود که زنان زاهد در آن برای عبادت، شنیدن وعظ و حدیث جمع می‌شدند.^۳ مستعصم عباسی، در سال ۶۵۲ ق. خانه دویدار کبیر بعد از مرگ را به‌عنوان رباطی برای زنان وقف نمود و شریفه بنت المهتدی را به‌عنوان شیخیه و متولی آن قرار داد.^۴

جایگاه زنان دانشمند و صوفی در توسعه علمی و معنوی رباطها

زنان دانشمند در این عصر نقش مهمی در احیاء نهضت علمی و فرهنگی داشتند. در این میان زنان واعظ و صوفی مشارکت فعالی در زمینه‌های علوم دینی به‌ویژه حدیث و وعظ داشتند. آنها برای موعظه زنان وارد مساجد و رباطها می‌شدند؛ زیرا در ارشاد از توانایی بالایی برخوردار بودند. مجالس وعظ زنان، یکی از وسایل آموزش و آگاهی در آن روزگار بود. برخی از آنان در ردیف زنان مجتهد و روشنفکر بودند، به‌طوری که می‌توانستند به سؤالات علمی و فقهی مراجعین پاسخ دهند. آنان مریدان، واعظان، محدثان و راویان زیادی را تربیت نمودند. به همین جهت زنان واعظ در رباطها نقش تربیتی، اخلاقی و اجتماعی مهمی داشتند. منابع تاریخی به تعدادی زیادی از زنان صوفی، واعظ و محدث اشاره کرده‌اند که در اینجا به چند نفر از آنها اشاره می‌کنیم: علم بنت عبدالله (متوفی ۵۷۵ ق) از معروفترین صوفیان بود تا جایی که به‌عنوان رابعه عدویه زمان خود محسوب می‌شد.^۵ شهیده بنت الأبری (متوفی ۵۷۴ ق) زنی عابد و صالح که مستندترین افراد زمان خود بود. علمای زیادی از او حدیث روایت کرده‌اند. او به جز کتب حدیثی در سایر علوم اسلامی هم تبحر داشت و از کتاب *المعانی* زجاج و *اموال* ابی عبید روایت کرده است.^۶ صلف بنت ابوالبرکات از زنان واعظ بود که با صوفی مشهور ابونجیب عبدالقادر سهروردی مصاحبت داشت. او برای زنان آیات قرآن را تفسیر و قصه‌های پیامبران را حکایت می‌کرد.^۷ خدیجه بنت محمد معروف به شاهجانیه (۴۶۰ - ۳۷۶ ق) یکی از واعظان و محدثان ساکن محله ربیع بغداد که از ابن‌سمعون و

۱. همان، ص ۲۳۸؛ مستوفی، *تاریخ گزیده*، ص ۳۶۵.

۲. سبط بن جوزی، *مراة الزمان*، ج ۸، ص ۴۰۸، ۶۳۷؛ ابن فوطی، *الحوادث الجامعة*، ص ۲۳۸.

۳. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۲۴۷.

۴. ابن فوطی، *الحوادث الجامعة*، ص ۲۱۱.

۵. ابن تغری، *نجوم الزاهرة*، ج ۶، ص ۸۵.

۶. ذهبی، *المختصر المحتاج الیه*، ج ۳، ص ۲۶۳؛ ابن‌الدیبی، *ذیل تاریخ مدینة السلام*، ج ۵، ص ۱۴۲.

۷. غزالی، *احیاء علوم الدین*، ج ۲، ص ۳۳۱.

ابن شاهین حدیث شنید. ^۱ ابن خطیب از او حدیث شنیده و مکتوب کرده است. ^۲ او جزء دوم *المالی* ابن سمعون را روایت کرد و ابوبکر و بدر کرخی از او روایت کرده‌اند. ^۳ منابع او را زنی راستگو، زاهد و صالح می‌دانند. ^۴ زینب بنت شیخ عبدالله (متوفی ۶۱۰ ق) کنیه او ام‌البهاء بود و سال‌ها در بغداد مجالس وعظ داشت. پدرش شیخ صوفیان در رباط زوزنی بود. ^۵ عائشه بنت محمد علی بغدادی (متوفی ۶۴۱ ق) زنی صالحه و فاضل بود که زنان را موعظه می‌کرد و از شیوخ بزرگ اجازه روایت داشت و در رباط پدرش ساکن بود و زنان صالح زیادی نزد او جمع بودند. او برای پدرش احادیث را می‌خواند و آنها را با خط خود می‌نوشت. ^۶

علل رشد یا گسترش فعالیت‌های رباط‌ها

به نظر می‌رسد یکی از عوامل توجه مردم عادی به علوم دینی در این دوره، مسئله کسب روزی و تأمین معاش افراد بود؛ زیرا آنان می‌توانستند با فراگیری علوم قرآنی، فقهی و حدیثی به مقام قضاوت، وعظ، امامت، تدریس در مدارس و تقرب به حاکمان و پادشاهان برسند و مورد احترام و تحسین مردم واقع شوند و زندگی آسوده داشته باشند، در حالی که کمتر کسی به علوم فلسفی و عقلی می‌پرداخت. ^۷ به‌عنوان مثال، ابو عبدالله محمد بن علی دامغانی و چند تن از فرزندانش فقه و حدیث را در بغداد فرا گرفتند و به قاضی‌القضاتی این شهر رسیدند. ^۸ ابواسحاق شیرازی (متوفی ۴۷۶ ق) بعد از فراگیری فقه و حدیث به‌عنوان مدرس نظامیه بغداد انتخاب شد و از او استقبال گرمی به عمل آمد. ^۹ باتوجه‌به فقیه، محدث و واعظ بودن ابن جوزی، خلفا، وزرا و صاحبان قدرت به وی عنایت ویژه داشتند و او نیز با آنها در ارتباط بود. گرچه سمت رسمی و سیاسی برعهده نگرفت، ولی همین مجالس وعظ و خطابه‌اش موجب شهرت و نزدیکی به خلفا و وزرا عباسی شد. به‌طوری‌که خلیفه المستضی همواره حتی در هنگام بیماری در مجالس

۱. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۶، ص ۱۰۷؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۲۷، ص ۱۵۲.
۲. ابن خطیب، *تاریخ بغداد*، ج ۱۴، ص ۴۴۷.
۳. صفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۳، ص ۲۹۶؛ ذهبی، *العبر فی خبر من غیر*، ج ۲، ص ۳۱۱؛ سبکی، *طبقات الشافعیة*، ج ۱، ص ۱۴۹.
۴. ذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۳۰، ص ۴۸۳؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۶، ص ۱۰۷؛ ابن تغری، *نجوم الزاهرة*، ج ۵، ص ۸۲؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۴، ص ۴۴۷.
۵. منذری، *التکملة لوفیات النقلة*، ج ۲، ص ۲۸۱؛ ابن دبیثی، *ذیل تاریخ مدینة السلام*، ج ۱۵، ص ۳۹۴ - ۳۹۳.
۶. حنبلی، *شذرات الذهب*، ج ۷، ص ۳۶۶؛ حسینی، *التکملة لوفیات النقلة*، ج ۱، ص ۶۴.
۷. غنی، *تاریخ التصوف فی الاسلام*، ص ۶۷۸.
۸. حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۴۳۳.
۹. عمادالدین کاتب، *خریده القصر*، ج ۲، ص ۱۲۴.

وعظ او شرکت می‌کرد.^۱ او به‌عنوان بزرگترین واعظ حنبلی، در مجلسش همواره چندین هزار نفر حضور داشتند.^۲ شهده الکاتبه نیز از محدثان و مقربان خلیفه مقتفی عباسی بود.^۳ واعظان و صوفیان چنان در بین خلفا تقرب یافتند تا جایی که به‌عنوان سفیر فرستاده می‌شدند. شیخ عمر سهروردی به دربار خلفا از جمله ناصر رفت‌وآمد داشت و از طرف او به سوی پادشاهان می‌رفت و آنها مقدم او را گرامی می‌داشتند.^۴ ناصر خلیفه رباطی مخصوص جهت او ساخته بود که دارای امکانات خوبی جهت سکونت شیخ و مریدانش بود.^۵ شیخ الشیوخ یکی دیگر از صوفیان بود که از طرف ناصر خلیفه به‌عنوان سفیر فرستاده می‌شد.^۶

برنامه‌های آموزشی و تربیتی رباطها

در قرن پنجم در رباطها بیشتر علوم شرعی و نقلی مانند وعظ، حدیث و قرآن جریان داشت؛ زیرا این دوره مصادف با حکومت سلجوقیان است و با وجود تأسیس مدارس و کتابخانه‌های بسیار، ولی آنان و خلفا، علوم دینی و نقلی را بر سایر علوم ترجیح می‌دادند و آن را تشویق می‌کردند. بیشترین کتاب‌ها هم در همین زمینه نوشته شد و کمترین آنها در زمینه علوم عقلی مانند ریاضیات، طب، نجوم و به‌خصوص فلسفه بود. طبیعتاً بیشترین دانشمندان نیز در زمره قاریان، واعظان، محدثان و مفسران بودند.^۷ درحالی‌که برنامه آموزشی نظامیه بغداد به فقه شافعی، حدیث، قرائت قرآن، تفسیر و تا اندازه‌ای صرف‌ونحو و علوم ادبی که فقیه را در درک مسائل فقهی یاری کند، محدود می‌شد.^۸ تدریس علوم عقلی به جز حساب و طب در این مدارس دینی و دولتی ممنوع بود و معمولاً این گونه علوم را در حوزه‌های درس خصوصی، بیمارستان‌ها و رصدخانه‌ها تعلیم می‌دادند.^۹

برنامه‌های آموزشی و تربیتی رباطها شامل موارد زیر بود:

مجالس وعظ: وعظ از برنامه‌های اصلی و تربیتی رباطها بود به‌گونه‌ای که از شلوغ‌ترین جلسات محسوب می‌شد. عجیب اینکه تعداد شرکت‌کنندگان گاه به صد هزار تن هم می‌رسید؛^{۱۰} زیرا نه تنها

۱. ابن رجب، *ذیل طبقات الحنابلة*، ج ۱، ص ۴۰۷.

۲. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۲۳۶ و ج ۱۸، ص ۱۴۱.

۳. حموی، *معجم الادباء*، ج ۳، ص ۱۴۲۳.

۴. ابن خلدون، *دیوان المبتدأ*، ج ۵، ص ۱۲۹؛ تتوی، *تاریخ الفی*، ص ۵۹۲؛ شبانکاره‌ای، *مجمع الأنساب*، ص ۱۳۹.

۵. واعظ کاشفی، *رشحات عین الحیات*، ج ۱، ص ۳۲؛ اقبال آشتیانی، *تاریخ مغول*، ص ۴۹۹؛ امینی، *فتوحات شاهی*، ص ۴۲۵.

۶. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۱، ص ۴۶۰ و ۵۰۰ و ۵۰۹.

۷. حلّی، *دولت سلجوقیان*، ص ۲۱۵ - ۱۹۵ و ص ۲۶۳ - ۲۴۵.

۸. کسائی، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، ص ۱۳۵ - ۱۳۴.

۹. صفایی، *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم*، ص ۱۸۲ - ۱۸۱.

۱۰. ذهبی، *العبر فی خبر من غیر*، ج ۳، ص ۱۱۹؛ یافعی، *مراة الجنان*، ج ۳، ص ۳۷۰.

صوفیان، بلکه عجمان و ایرانیان، خلفا، وزرا، قضات و مردم عادی نیز در این مجالس شرکت می‌کردند.^۱ مجالس وعظ برخی از مشایخ چنان شلوغ می‌شد که از نظر مکان در تنگنا بودند. عبدالقادر جیلی (جیلانی یا گیلانی) از مشایخ بزرگ صوفیه و مؤسس طریقت قادریه (متوفی ۵۶۱ ق)، مدرسه و رباطش هر دو مشهور بود و در آنجا مجالس وعظ داشت که مورد استقبال مردم قرار گرفت. چون مدرسه او از حضور مردم پر شد و دیگر گنجایش آنها را نداشت، مدرسه را توسعه دادند و عامه مردم در این کار شرکت کردند و در رباطش نیز مجالس وعظ برپا کرد.^۲ ابن جوزی در نوجوانی وعظ را در رباط سور فرا گرفت و در همان اولین جلسه‌اش چند هزار تن شرکت کردند. او به‌عنوان بزرگترین واعظ حنبلی، در مجلسش همواره هزاران نفر حضور داشتند.^۳ شیخ عبدالقادر تأثیر زیادی بر صوفیان بعد از خود گذاشت، به‌طوری‌که کتاب *الغنیه* او را که مجموعه‌ای از مواعظ و نصایحش بود در برخی از رباط‌ها می‌خواندند. چنان که ابوالفضل محمد بن دیاب بغدادی همین کتاب را در رباط اخلاطیه بر احمد بن مطیع خواند. ابن فوطی این کتاب را در آن زمان، هنگام خواندن به شیوه آنها شنید.^۴ محمد بن علی بن نصر (ابن البَلّ الدوری) در رباط خود مجالس وعظ شلوغی داشت تا آنجا که با ابن جوزی واعظ مشهور مقایسه می‌شد. چون ابن جوزی دستگیر شد، زمینه برای او مناسب گردید و به جای او مشغول موعظه گشت.^۵ علی بن حسین غزنوی در رباطش، مجالس وعظ شلوغی داشت. او چنان قدر و منزلت یافت که سلطان به عیادتش می‌آمد و حتی ایرانیان به او گرایش یافتند.^۶ ابونجیب سهروردی یکی از مشایخ بزرگ صوفیه، در ساحل غربی بغداد رباطی بنا نهاد و افراد صالح زیادی ساکن شدند و خودش مشغول موعظه شد.^۷

میریدان هر یک ادامه دهنده راه مشایخ خود بودند. عبدالصمد بن حسین زنجانی ملقب به بدیع (متوفی ۵۸۱ ق) وعظ را از ابونجیب سهروردی فرا گرفت و مدت زیادی در بغداد جلسات وعظ داشت. او رباط بدیع را در محل قراح القاضی بنا کرد. خودش در آنجا جلسه داشت.^۸ ابوحفص عمر شهاب‌الدین

۱. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۱۰۹؛ ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۰، ص ۶۰۵؛ یافعی، *مراة الجنان*، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ابن رجب، *ذیل طبقات الحنابلة*، ج ۱، ص ۴۰۷.
۲. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۱، ص ۳۲۳؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۱۷۳.
۳. ذهبی، *العبر فی خبر من عبر*، ج ۳، ص ۱۱۹؛ یافعی، *مراة الجنان*، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ابن عماد، *شذرات الذهب*، ج ۶، ص ۵۳۸؛ مقرئ، *نفخ الطیب*، ج ۶، ص ۱۳۴؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۲۳۶ و ج ۱۸، ص ۱۴۱.
۴. ابن فوطی، *تلخیص مجمع الآداب*، ج ۴، ص ۲۲۵.
۵. ذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۴۴، ص ۸۶ - ۸۵؛ حنبلی، *شذرات الذهب*، ج ۷، ص ۸۸.
۶. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۱۰۹.
۷. همان، ص ۱۸۰؛ ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۳، ص ۲۰۴.
۸. ذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۴۱، ص ۱۱۷.

سهروردی (متوفی ۶۳۲ ق) نیز تصوف و وعظ را از عمویش ابونجیب آموخت و به‌عنوان یکی از مشایخ بزرگ صوفیه و شیخ الشیوخ بغداد گشت. او مجلس وعظ داشت و افراد زیادی در آن شرکت می‌کردند.^۱ یکی از تأثیرات مجالس وعظ این بود که افراد زیادی از سر تنبه، توبه می‌کردند.^۲

مدارس این دوره مانند نظامیه بیشتر به یک مذهب تعلق داشت و به مطالعه و تبلیغ آن می‌پرداخت، ولی در مجالس وعظ رباطها افرادی از هر مذهب و مکتب مانند ایرانیان، علویان و شیعیان و ... حضور داشتند و در واقع تسامح و تساهل بیشتری در آنجا وجود داشت. چنان که ابوالقاسم علی بن یعلی علوی در رباط شیخ الشیوخ و ساعده، جلسات وعظ داشت. او محبوب خاص و عام بود به‌گونه‌ای که مورد قبول حنبلیان واقع شد.^۳ یکی از واعظان با نام صدقه بن وزیر با اینکه به تشیع و مکتب اشعری گرایش داشت، ولی قلوب زیادی از مردم عامه را جلب کرده بود و رباطی در نزدیک دروازه ظفر در قسمت شرقی بغداد ساخت که گروه زیادی در آنجا جمع می‌شدند.^۴ علی بن حسین غزنوی به تشیع گرایش داشت و به ایرانی‌ها محبت می‌ورزید و به بیت‌الخلافة آن‌طور که باید تکریم نداشت. با این حال مجالس وعظ او پرشور بود به‌طوری که سلطان به عیادت او می‌رفت و قاریان و مراجعین زیادی داشت.^۵ به‌طور کلی دیدگاه‌های مکتب صوفیه بغداد با اعتدال همراه بود و کمتر با حساسیت فقها روبرو شد.

قرائت قرآن و تدریس حدیث: از علومی بودند که در بیشتر رباطها رونق فراوان داشتند. محمد بن محمد مقری از جمله مشایخی بود که به بغداد آمد و تا آخر عمرش (متوفی ۵۷۱ ق) در رباط ارجون ساکن گردید و به قرائت قرآن و تدریس حدیث مشغول شد.^۶ در رباط بهروز، جلسات استماع حدیث برپا بود. ابن جوزی نیز حدیث را در همین رباط از صوفی آنجا احمد بن منصور همدانی شنید.^۷ صوفیان زیادی از علی بن احمد مقری، سرپرست کتابخانه رباط زوزنی، حدیث شنیدند. در این رباط شنیدن حدیث، ختم قرآن تا سال‌ها جریان داشت.^۸ علی بن حسین غزنوی در رباطش مراجعین و قاریان زیادی در نزدش جمع بودند که برای قاریان صفحاتی را مشخص می‌کرد.^۹ عبدالصمد بن حسین کلاهینی در رباط قراح

۱. ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۳، ص ۴۴۷.

۲. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۱، ص ۳۲۳؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۱۷۳.

۳. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۰، ص ۶۰۵؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۷، ص ۱۴۷ و ج ۱۹، ص ۲۰۰.

۴. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۱۵۴؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳۸، ص ۲۲۶.

۵. ابن جوزی، *المنتظم*، ص ۱۴۱۲ و ج ۱۸، ص ۱۰۹ - ۱۰۸.

۶. ذهبی، *المختصر المحتاج الیه*، ج ۳، ص ۲۵۷.

۷. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۲۲.

۸. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۸، ص ۳۲.

۹. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۱۰۹.

قاضی جلسات حدیث داشت و به یاقوت حموی اجازه داد تا در جلسه استماع حدیث وی شرکت کند.^۱ عباس بن محمد بن حسن الهاشمی (متوفی ۶۱۵ ق.) رباطی مشهور به قیصریه داشت که گروهی از فقیران و زاهدان در آن جمع بودند. او از راویان حدیث در آنجا بود.^۲ عمر بن ابی‌الجیش صوفی از اسدآباد همدان در سال ۵۹۶ ق وارد رباط مأمونیه شد و حدیث را در آنجا فرا گرفت.^۳ ابومنصور صوفی در اواخر قرن ششم هجری از ساکنان رباط شیخ الشیوخ بغداد و راوی حدیث بود.^۴

تدریس فقه و صدور فتوا: برخلاف آن چه که در بسیاری از منابع آمده، رباطها فقط محل سکونت صوفیان نبود، بلکه در برخی از آنها فقیهان به تدریس فقه مشغول بودند و فتوا نیز می‌دادند. محمد بن منجح بن عبدالله فقیه (متوفی ۵۸۱ ق) بعد از فراگیری فقه در جزیره و بغداد، مدتی قاضی بعلبک بود و سپس به رباط بغداد بازگشت و ابتدا جلسات وعظ داشت و فتوا می‌داد و حدیث می‌گفت.^۵ در زمان ابوحفص عمر سهروردی مشایخ از نقاط مختلف قلمرو اسلامی از او درباره مسائل و مشکلات صوفیه نظر می‌خواستند. چنان که استادان طریقت صورت فتواها را برای وی می‌نوشتند و او جواب نامه‌ها را می‌نوشت و ارسال می‌کرد. فردی به او نوشت: اگر دست از کار بکشم، بیکار می‌شوم و به بطالت می‌گذرانم و اگر کار کنم دچار عجب و غرور می‌شوم. کدام بهتر است؟ شیخ جواب نوشت: کار کن و به خدا تعالی پناه ببر. شیخ سهروردی، نظر و فتواهای زیادی در این موارد داشت.^۶ عبدالقادر جیلی حنبلی مذهب بود و براساس فقه شافعی و حنبلی فتوا می‌داد. از او با عنوان امام الحنابله، غوث الأعظم و باز اشتهب یاد کرده‌اند و کراماتی را به او نسبت داده‌اند.^۷ صوفیانی با عنوان واعظ، محدث و فقیه در رباطها به فعالیت مشغول بودند، به طوری که علما هنگام عبور از بغداد و یا هنگام بازگشت از حج، با مشایخ رباطها به بحث و بررسی می‌پرداختند.

مجوز روایت و تدریس: اجازه به معنای اذن، رخصت و روا دانستن است که از دیرباز در بین دانشمندان علوم مختلف مرسوم بوده و اساتید به منظور بزرگداشت از مقام علمی شاگردان و به نشانه شایستگی‌هایی که در آنان وجود داشته برایشان اجازه صادر می‌کردند. در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی چون فقه، حدیث، طب، ادبیات، عرفان و ... تبادل اجازه بین اساتید و شاگردان مرسوم بوده است. مشایخ رباطها

۱. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۵، ص ۲۷۱ - ۲۷۰؛ سمعانی، *الانساب*، ج ۱۱، ص ۱۳۱.

۲. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۴۴، ص ۲۴۱؛ ابن‌دبیشی، ج ۴، ص ۵۸۳ - ۵۸۲.

۳. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۲۰، ص ۱۰۲.

۴. همان، ص ۱۵۷.

۵. همان، ج ۱۵، ص ۸۰؛ سبکی، *طبقات الشافعیة الكبرى*، ج ۶، ص ۴۰۱؛ ابن‌کنیر، *طبقات الشافعیة*، ج ۲، ص ۶۷۲.

۶. ابن‌خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۳، ص ۴۴۷.

۷. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳۹، ص ۸۹؛ هروی، *مرآت الاولیاء*، ص ۲۲۶.

احادیث و روایات را برای شاگردان می‌خواندند و به آنها اجازه روایت می‌دادند. برخی اوقات شاگردان نزد مشایخ، احادیث و یا تألیفات خود را می‌خواندند و اجازه روایت و نشر می‌یافتند. این کار برای حفظ و انتقال حدیث به نسل‌های بعد بوده است. اجازه ممکن بود شفاهی یا کتبی باشد. ابی‌الحسن المودب که متولی کتابخانه رباط زوزنی بود برای زنان و مردان زیادی اجازه روایت را صادر کرد و در این مورد به خط خود گواهی برای آنها می‌نوشت. از جمله برای عبدالوهاب بن علی و برادرش، عبدالرزاق بن عبدالقادر حنبلی و همسرش تاج النساء، محمد بن المبارک و خواهرش عقیفه و ...^۱ عمر بن ابی‌الجیش ساکن رباط مأمونیه، کتاب‌هایی داشت که در سفرهایش به دست آورده بود و آنها را بر مشایخ خود خواند و اجازه روایت یافت.^۲ ابوسعید عثمان بن ابی‌الغنائم (متوفی ۶۵۱ ق) همنشین شیخ سهرودی بود و تصانیفش را بر او خواند. او امام در رباط مأمونیه بود.^۳

تألیف و استنساخ کتب: رباط‌های بغداد از نظر سطح آموزش و حتی تألیف کتب برجسته بودند. تألیفات بیشتر در زمینه‌های حدیث، تاریخ، اصول و تصوف، شرح حال صوفیان و انساب بود. با اینکه فلسفه در این دوره با مخالفت فقها و صوفیان مواجه بود، ولی برخی از صوفیان به املائی کتب فلسفه هم می‌پرداختند. ابوبکر حازمی زاهدی بود که پیوسته به خلوت‌نشینی، تألیف و نشر علم مشغول بود. او ساکن در یکی از حجره‌های رباط بدیع، همواره در شب مطالعه می‌کرد و تا بامداد می‌نوشت. او در همین رباط کتاب *ناسخ و منسوخ در حدیث نبوی* و دو کتاب *عجالة المبتدی* و کتاب *المؤتلف و المختلف* را در انساب نگاشت.^۴ کتاب *تاریخ مجاهدی* از ابوحنیفه عمر بن محمد سهروردی (متوفی ۵۳۲ ق) نیز در رباط سعاده تألیف شد. ابن‌جوزی ایشان را در این رباط ملاقات کرده است.^۵ او تاریخ خود را بر اساس سالشمار مرتب نمود که از ابتدای خلقت تا سال ۵۲۰ ق. بود و آن را مجاهدی نامید و به مجاهدالدین بهروز والی عراق و نائب سلطان در بغداد هدیه داد.^۶ از تألیفات مهم و مشهور در تصوف که در رباط بغداد تألیف شد، کتاب *عوارف المعارف* از شهاب‌الدین عمر سهروردی بود.^۷ او کتاب‌های دیگری از جمله *رشف النصایح، اعلام التقی و اعلام الهدی* و ... را نیز دارد. سعدی شیرازی به وی ارادت داشته که در

۱. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۸، ص ۳۳ - ۳۲.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۰۲.

۳. ابن فوطی، *مجمع الآداب*، ج ۱، ص ۴۵۴.

۴. ذهبی، *تذکره الحفاظ*، ج ۴، ص ۱۰۶.

۵. ابن‌جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۳۳۱.

۶. ابن خطیب، *تاریخ بغداد*، ج ۲۰، ص ۱۱۶؛ ابن‌جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۲۴۴؛ ابن‌تغری، *نجوم الزاهرة*، ج ۵، ص ۲۲۷.

۷. ابن‌کنیر، *البدایة و النهایة*، ج ۱۳، ص ۱۳۸؛ ذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۴۶، ص ۱۱۴؛ حنبلی، *شذرت الذهب*، ج ۷، ص ۲۶۸؛ ابن‌خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۳، ص ۴۴۶.

بوستان، نامی از او برده است.^۱ ابوسعید بن یحیی مخرمی (متوفی ۶۶۴ ق) رئیس دیوان و خزانه بود و به تصوف گرایش یافت و در رباط حریم ساکن شد و به استنساخ قرآن و نوشتن ربعات مشغول شد و آنها را وقف نمود.^۲ ابوعبدالله صوفی برادرزاده شیخ ابونجیب سهروردی، در رباط‌های مختلف مانند مرزبانیه، روزنی، بسطامی و مأمونیه جلسات وعظ داشت و کتاب *معانی المعانی* را درباره شرح حال صوفیان و آداب آنان نوشت. در آخر عمرش نیز کتابی درباره فلاسفه املاء کرد.^۳ عبدالواحد بن عبدالوهاب (متوفی ۶۰۸ ق) متولی رباط شیخ الشیوخ و دارای آثاری در نظم و نثر بود و حکایات و اشعار زیادی از حفظ داشت.^۴ ابوالفتوح اسفراینی معروف به ابن‌المعتمد (متوفی ۵۳۸ ق) در رباط‌های ابی‌سعد و ارجونیه مجالس وعظ داشت و دارای تألیفاتی در اصول و تصوف بود.^۵ از جمله کتاب‌های او: *کشف الاسرار علی لسان الاخیار، بیان القلب، بث الاسرار* بود.^۶

تدوین آثار ادبی: صوفیان ساکن در رباط‌ها، ادبیات و اشعار خاص خود داشتند که در ویژگی‌هایش با دیگران متفاوت بود و شاید بارزترین ویژگی آن عشق به معبود و تسلیم کامل در برابر سرنوشت بود. در بیشتر آنها ابهام، معانی نمادین و رمزی و اصطلاحات صوفیانه به چشم می‌خورد. نه تنها شاعران مشهور بلکه خود صوفیان هم در زهد و تصوف اشعار غزائی در رباط‌ها می‌سرودند. ابن‌الجنانه (متوفی ۵۳۲ ق) در رباط خود، زاهدان را موعظه می‌کرد و اشعار صوفیانه می‌سرود.^۷ ابوحفص عمر شهاب‌الدین سهروردی درباره زهد اشعار خوبی دارد.^۸ سعد الله بن نصر (متوفی ۵۶۴ ق) از وعظ و فقه‌های بزرگ در مجلس سماع صوفیان حضور می‌یافت و شعرهای صوفیانه خوب می‌سرود.^۹ برخی از شیوخ حکایات و اشعار زیادی را از حفظ داشتند و دارای آثاری در نظم بودند.^{۱۰}

وجد و سماع: وجد در لغت به معنای شوق و شغف است. در تصوف حالتی است که در آن انسان از اوصاف بشری فارغ می‌شود و خود را موجود کامل متعال یعنی با خداوند متحد می‌یابد. نفسی که به وجد



مجلس شورای اسلامی ایران

مجمع‌العلماء

مجمع‌العلماء

مجمع‌العلماء

مجمع‌العلماء

مجمع‌العلماء

مجمع‌العلماء

مجمع‌العلماء

۱. فرصت شیرازی، *آثار عجم*، ج ۱، ص ۱۱۱.
۲. ابن فوطی، *مجمع الآداب*، ج ۳، ص ۱۱۵ - ۱۱۴.
۳. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۲۰، ص ۱۱۲.
۴. همان، ج ۱۶، ص ۱۵۳ - ۱۵۲.
۵. حنبلی، *شذرات الذهب*، ج ۶، ص ۱۹۴.
۶. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳۶، ص ۴۸۱؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۲۱۰.
۷. همان، ص ۳۱۸ - ۳۱۷؛ سبط بن جوزی، *مرآة الزمان*، ج ۸، ص ۱۶۰؛ صدقی، *الوافی بالوفیات*، ج ۳، ص ۳۴۹.
۸. ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۳، ص ۴۴۶.
۹. ذهبی، *المختصر المحتاج الیه*، ج ۴، ص ۷۷؛ صدقی، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۵، ص ۱۸۶.
۱۰. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۶، ص ۱۵۳ - ۱۵۲.

آمده باشد، جهان خارجی را رها می‌کند و مستقیماً با مورد تفکر در درون خود اتحاد می‌یابد.^۱ وجد و سماع یکی از ویژگی‌های فرهنگی و ممتاز رباطها بود. مجالس صوفیه از دیرباز با سماع همراه بود و تشکیل مجلس پایکوبی و دست‌افشانی و شعر خوانی تحت عنوان سماع به صورت یک کار گروهی در رباطها و خانقاهها معمول بود و این موضوع آن قدر مورد توجه قرار داشت که عده‌ای می‌گفتند مسلک تصوف جز رقص نیست. سماع پیشینه کهن تاریخی داشته و پس از اسلام موافقان و مخالفانی نیز در دین داشته است. طبق گفته ابن عماد حنبلی، سماع فاسقان مانند سماع عاشقان نیست.^۲ ابوحفص فرغانی مدتی در سنجار فقه، ادب و اصول خواند، سپس به بغداد برگشت و در مدرسه مستنصریه دعوت به تدریس شد و بالاخره با امتناع شدید پذیرفت.^۳ او به تصوف گرایش یافت و در مجالس سماع شرکت می‌کرد و دف و تنبور گوش می‌داد.^۴ احمد بن ابراهیم یکی از صوفیان ساکن در رباط زوزنی، روش سماع و گوش دادن به آواز و رقص را در پیش گرفت. او با این حال چنان محبوب بود که هنگام وفاتش نیز سپاهیان، صوفیان و عامه مردم در تشییع جنازه او شرکت داشتند، سران کشور و قاضی القضاة بر وی نماز خواندند.^۵ برخی از صوفیان در مراسم تبریک و تهنیت رجال دولتی شرکت می‌کردند و در شب مراسم سماع برپا می‌داشتند.^۶ ابن خلکان گروهی از صوفیان را در مجلس ابوحفص عمر سهروردی دیده که از حال شگفتی که پیدا کرده‌اند را برای یکدیگر تعریف می‌کردند.^۷ ابن اثیر در حوادث سال ۶۰۰ ق درباره سماع صوفیه ماجرای جالب نقل می‌کند:

گروهی از صوفیان در خانقاه شیخ الشیوخ در بغداد گرد آمدند و با آنان خواننده‌ای بود که شعری را خواند و صوفیان با شنیدن آن به سماع برخاستند. یک صوفی به نام احمد بن ابراهیم نیز به وجد و طرب برخاست. بعد از حال رفت، وقتی او را تکان دادند مرده بود. بر او نماز گزارند و به خاکش سپردند.^۸

بررسی و تحلیل وضعیت کتابخانه رباطها

رباطها به‌ویژه از سده پنجم تا سده‌های اخیر اغلب به کتابخانه‌های تخصصی مجهز بودند. صوفیان و

۱. نسفی، *کشف الحقایق*، ص ۱۳۶.

۲. حنبلی، *شذرات الذهب*، ج ۷، ص ۲۶۶ - ۲۵۶.

۳. خطیب، *تاریخ بغداد*، ج ۲۰، ص ۱۱۶.

۴. غسانی، *العسجد المسبوك*، ج ۲، ص ۴۶۶.

۵. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۷، ص ۲۸۵ - ۲۸۴؛ ابن تغری، *نجوم الزاهرة*، ج ۵، ص ۲۵۳.

۶. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۸، ص ۲۱۴.

۷. ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۳، ص ۴۴۷.

۸. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۲، ص ۱۹۹ - ۱۹۸.

علما جهت تدریس و تحصیل بدانجا رفت‌وآمد داشتند و یکدیگر را ملاقات می‌کردند و در آنجا علاقه‌مندان به کتاب، جهت مطالعه و مناظره دور هم جمع می‌شدند. رباط حریم طاهری، کتابخانه خوبی داشت. خلیفه ناصر بعد از ساخت آن، کتاب‌های نفیس و فراوانی را به آنجا انتقال داد.^۱ رباط سیده خاتون مادر خلیفه ناصر در محله مأمونیه در رصافه، کتابخانه بسیار بزرگ و ارزشمندی داشت که در بین آنها کتاب **نقض القرآن** ابوالعلاء معری و کتاب **الفنون** ابوالوفا بن عقیل موجود بود.^۲ ذهبی کتاب **الفنون** را ۴۹۰ جلد و سبط بن جوزی آن را ۲۰۰ جلد می‌داند. پدر بزرگ سبط بن جوزی ده جلد از آن را خلاصه کرد و در آثار خود تقسیم نمود و سبط بن جوزی حدود هفتاد جلد از آن را در رباط مأمونیه خواند.^۳ در رباط اخلاطیه، کتابخانه نفیسی توسط خلیفه ناصر تأسیس شد. او کتب اهل سنت با خطوط منسوب و قرآن کریم را به مدرسه نظامیه، رباط اخلاطیه و رباط حریم طاهری منتقل کرد.^۴ رباط زوزنی، کتابخانه بزرگی در قرن ششم داشت و سرپرست آن علی بن احمد بود.^۵ یاقوت حموی ماجرای تعریف می‌کند که نشان دهنده نمونه‌ای از فعالیت فکری و فرهنگی از جمله مباحثه و مناظره در کتابخانه رباط‌ها می‌باشد:

روزی وجیه نحوی در کتابخانه رباط مأمونیه حاضر بود. سرپرست و خازن کتابخانه آنجا احمد بن هبه الله بود. سخن از ابوالعلاء معری شد و خازن او را نکوهش کرد و گفت: در کتابخانه کتابی از او وجود داشت که آن را شستم و از بین بردم. وجیه به او گفت: کدام کتاب؟ گفت: کتاب **نقض القرآن**. وجیه با استدلال اثبات کرد که خازن اشتباه کرده و حضار سخنان وجیه را تحسین کردند و ابن هبه الله قانع و ساکت شد.^۶

باتوجه به کتابخانه‌های موجود در رباط‌ها، آنجا محل مناسبی برای مطالعه کتب بود. رباط ابن‌نعال بغدادی (متوفی ۶۵۹ ق) در باب الأرز جایگاهی برای متدینین، فقیهان غریب و به‌ویژه حنبلیان بود. آنان برای آموختن فقه از ابوالفتح بن المُنّی در این رباط ساکن شدند، به‌طوری که مجالس و عطف، درس و بحث در این رباط نسبت به سائر مدارس بیشتر بود. از جمله فقه‌های ساکن در آن می‌توان به شیخ موفق الدین مقدسی، حافظ عبدالغنی و برادرش شیخ عماد، عبدالقادر رهاوی، عماد اصفهانی و ... اشاره کرد.^۷ رباط ابن‌النَّعال

۱. همان، ص ۱۰۴؛ سبط بن جوزی، **مرآة الزمان**، ج ۸، ص ۴۲۲.

۲. حموی، **معجم الادباء**، ج ۵، ص ۲۲۶۶.

۳. سبط بن جوزی، **مرآة الزمان**، ج ۸، ص ۴۸؛ عواد، **خزائن الکتب القدیمة فی العراق**، ص ۱۶۰.

۴. سبط بن جوزی، **مرآة الزمان**، ج ۸، ص ۶۳۷؛ صفدی، **تکتم الهمیان**، ص ۲۲۵؛ ابن فوطی، **مجمع الآداب**، ج ۲، ص ۲۸۵.

۵. خطیب بغدادی، **تاریخ بغداد**، ج ۱۸، ص ۳۲.

۶. حموی، **معجم الادباء**، ج ۵، ص ۲۲۶۶.

۷. ذهبی، **تاریخ الاسلام**، ج ۴۴، ص ۴۸۶؛ حنبلی، **شذرات الذهب**، ج ۷، ص ۷۲ - ۷۱.

چنان شلوغ بود که ابوالفرج حنبلی وقتی در سال ۵۷۲ ق در این رباط فرود آمد، در آن اتاق خالی نیافت پس خانه‌ای در آنجا ساخت و ساکن شد.^۱ سبط بن جوزی حدود هفتاد جلد از کتاب *الفنون* ابن عقیل را که وقف رباط مأمونیه شده بود، در همان جا خواند.^۲ شیوخ کتاب‌های خود را در رباط‌ها برای مریدان تدریس می‌کردند. از جمله کتاب *عوارف المعارف* درباره تصوف از شهاب‌الدین عمر سهروردی بود که افراد زیادی مانند عبدالعزیز بن ابی طالب و حسن بن حیدر از او کسب فیض کردند.^۳

نتیجه

با گسترش تصوف در این عصر، خلفا، وزرا و رجال دولت نیز اقدام به ساخت رباط در عراق و به‌ویژه بغداد کردند. رباط‌ها در این دوره به نشر و گسترش علوم دینی و نقلی مانند وعظ، حدیث، قرآن، فقه، شعر و ادب کمک شایانی کرد. به‌طور کلی مجالس حدیث و وعظ بیشتر برپا بود. رباط‌ها مجهز به کتابخانه شدند که به محل مناسبی برای مطالعه، تحقیق، تألیف، ملاقات دانشمندان، مناظره و گفتگو علمی تبدیل گشت. تألیفات در زمینه‌های حدیث، تاریخ، اصول و تصوف، شرح حال صوفیان و انساب بود. یکی از ویژگی‌های ممتاز رباط‌ها، موسیقی مخصوص و برنامه وجد و سماع بود. صوفیان اهل تسامح و تساهل بودند و تعصبات مذهبی چندانی نداشتند و معمولاً از هر مذهبی در رباط‌ها حضور داشتند و از این جهت به‌عنوان یک مدرسه عمومی بود. به همین جهت مورد قبول و حمایت خلفا، سلاجقه و عامه مردم واقع شدند. زنان واعظ، صوفی و محدث نیز در این عصر رباط مخصوص خود و مجالس درس داشتند و در آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه زنان نقش مهمی ایفا کردند. در واقع رباط‌ها مانند مدارس به‌عنوان یکی از مراکز آموزشی این عصر، سهم مؤثری در توسعه و شکوفایی علوم به‌ویژه علوم دینی و نقلی در عراق و مخصوصاً بغداد داشتند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.
۲. ابن الدبیتی، محمد بن سعید، *ذیل تاریخ مدینه الاسلام*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م.

۱. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۴۳، ص ۳۴۹.

۲. سبط بن جوزی، *مرآة الزمان*، ج ۸، ص ۴۸؛ عواد، *خزائن الکتب القدیمة فی العراق*، ص ۱۶۰.

۳. ابن فوطی، *مجمع الآداب*، ج ۱، ص ۲۳۱ و ج ۱، ص ۱۲۱.

۳. ابن تغری بردی، یوسف، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة، ۱۳۹۲ق.
۴. ابن جوزی، أبوالفرج عبدالرحمن بن علی، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر*، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۸ / ۱۹۸۸.
۶. ابن خلکان، ابوالعباس احمد بن محمد، *وفیات الاعیان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار الفكر، ۱۳۶۴ق.
۷. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، *ذیل طبقات الحنابلة*، تصحیح محمدحامد الفقی، قاهره، مطبعه سنه المحمدية، ۱۳۷۲ ق / ۱۹۵۲ م.
۸. ابن ساعی، تاج‌الدین علی، *الجامع المختصر فی تواریخ عنوان و عیون السیر*، تحقیق مصطفی جواد، بغداد، وزارة الثقافة، ۱۳۵۳ ق / ۱۹۳۴ م.
۹. ابن سنجر، هندوشاه، *تجارب السلف*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، طهوری، ۱۳۵۷ ش.
۱۰. ابن عامر، توفیق، «مواقف الفقهاء من الصوفية فی الفكر الاسلامی»، *حولیات الجامعة التونسية*، ش ۳۹، ۱۹۹۵ م.
۱۱. ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد، *تلخیص مجمع الاداب فی معجم الاداب*، تحقیق مصطفی جواد، بغداد، وزاره الثقافة و الارشاد القومي، مطبوعات مديرية احياء التراث القديم، بی تا.
۱۲. ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد، *حوادث الجامعة و التجارب النافعه فی المائه السابعه*، تحقیق مهدی عبدالحسین النجم، بیروت، دار الکتبه العلمیه، ۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م.
۱۳. ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد، *مجمع الآداب فی معجم الالقاب*، تحقیق کاظم محمد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۴۱۶ م / ۱۳۷۴ ش.
۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *طبقات الشافعية*، تحقیق عبدالحفیظ منصور، بیروت، دار المدار الاسلامی، ۲۰۰۴ م.
۱۶. اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ مغول*، سایر پدید آورندگان: فیروز منصوری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. امینی، ابراهیم بن میر جلال‌الدین، *فتوحات شاهی*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.

١٨. تتوي، احمد بن نصرالله، **تاريخ الفی**، بی نا، بی جا، بی تا.
١٩. جواد، مصطفی، «الربط البغدادية وأثرها في الثقافة الإسلامية»، **مجله سومر**، المجلد العاشر، ١٩٥٥م.
٢٠. حسینی، احمد بن محمد، **التكملة لوفيات النقلة**، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت، دار الغرب الاسلامي، ١٤٢٨ ق / ٢٠٠٧ م.
٢١. حلمي، احمد كمال الدين، **دولت سلجوقيان**، ترجمه عبدالله طاهري ناصري، قم، انتشارات حوزة و دانشگاه، ١٣٨٤.
٢٢. حموي، ياقوت، **معجم الادباء**، تحقيق احسان عباس، بيروت، دار الغرب الاسلامي، ١٩٩٣ م.
٢٣. حموي، ياقوت، **معجم البلدان**، بيروت، دار صادر، ١٩٩٦ - ١٦٦٥ م.
٢٤. حنبلي، ابن عماد شهاب الدين، **شذرات الذهب في اخبار من ذهب**، تحقيق الأرنؤوط، دمشق - بيروت، دار ابن كثير، ١٤٠٦ ق / ١٩٨٦ م.
٢٥. خطيب بغدادی، احمد بن علی، **تاريخ بغداد**، محقق و مصحح عطا، مصطفی عبدالقادر، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٧ ق.
٢٦. دراجي، حميد محمد حسن، **الربط و التكايا البغدادية في العهد العثماني، تخطيطها و عمارتها**، بغداد، وزارة الثقافة و الأعلام، ٢٠٠١ م.
٢٧. ذهبی، محمد بن احمد، **العبر في خبر من غير**، ابوهاجر محمد زغلول، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.
٢٨. ذهبی، محمد بن احمد، **المختصر المحتاج اليه**، تحقيق دكتور مصطفى جواد، بغداد، مطبعة المجمع العلمي العراقي، ١٣٨٣ ق / ١٩٦٣ م.
٢٩. ذهبی، محمد بن احمد، **تاريخ الاسلام و وفیات المشاهير و الأعلام**، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤١٣ ق / ١٩٩٣ م.
٣٠. ذهبی، محمد بن احمد، **تذكرة الحفاظ**، تحقيق زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٨ ق / ٢٠٠٧ م.
٣١. زرین کوب، عبدالحسين، **تصوف ایرانی از منظر تاریخی**، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، سخن، چ ٢، ١٣٨٥.
٣٢. سبط ابن جوزی، شمس الدين يوسف، **مؤآة الزمان في تاريخ الأعيان**، حيدرآباد، ١٣٧٠ ق / ١٩٥١ م.
٣٣. سبكي، عبدالوهاب بن علي، **طبقات الشافعية الكبرى**، تحقيق عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد طناحي، قاهره، دار الاحياء الكتب العربية، بی تا.

۳۴. سمعانی، أبو سعید عبدالکریم، **الأنساب**، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م.
۳۵. سید حمزه، مریم و بهمن سلطان احمدی، «رباط، بنایی نظامی در راه‌های تاریخی»، تهران، **فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی**، س ۲، ش ۳، ص ۴۷ - ۳۱، ۱۳۹۸.
۳۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **تأیید الحقیقة العلیة و تشیید الطریقة الساذلیة**، تحقیق عاصم ابراهیم کیالی، مصطفی بکری، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م.
۳۷. شبانکاره‌ای، محمد بن علی، **مجمع الأنساب**، سایر پدید آورندگان: غیاث‌الدین بن علی فریومدی، تصحیح هاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
۳۸. شریفی اشکوری، الیاس، **فقرات فقهیه**، قم، آل‌ایوب، ۱۳۸۴ - ۱۳۸۱.
۳۹. صفا، ذبیح‌الله، **تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم**، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۶.
۴۰. صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ابیک، **الوافی بالوفیات**، تحقیق ریتر هلموت، بیروت، دار النشر فرانز شتاینر، ۱۴۰۱ - ۱۳۸۱ ق.
۴۱. صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ابیک، **نکت الهمیان**، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۸ ق / ۲۰۰۷ م.
۴۲. طاهری عراقی، احمد، «پاسخ‌های شهاب‌الدین سهروردی»، **نشریه مقالات و بررسی‌ها**، دانشکده الهیات، ش ۴۹ و ۵۰، بهار ۱۳۶۹ ش.
۴۳. طلّس، محمد اسعد، «بنگاه‌های دیگر آموزشی اسلامی (خانقاه، رباط، زاویه، بیمارستان)»، **نشریه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)**، اقتباس محسن فارسی، تهران، ۱۳۳۷.
۴۴. عجلونی جراحی، اسماعیل بن محمد، **کشف الخفاء و مزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث علی السنة الناس**، ۲ ج، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۵۲ - ۱۳۵۱.
۴۵. عمادالدین کاتب، محمد بن محمد، **خزیده القصر جریده القصر**، تحقیق محمد بهجه اثری و جمیل سعید، عراق، المجمع العلمی العراقی، ۱۳۷۵.
۴۶. عواد، کورکیس، **خزائن الکتب القدیمة فی العراق**، بیروت، دار الرائد العربی، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۴۷. غزالی، ابو حامد محمد، **احیاء علوم الدین**، بیروت، دار المعرفه، ۱۹۷۰ م.
۴۸. غسانی، اسماعیل بن عباس، **العسجد المسبوك و الجوهر المحکوک فی الطبقات الخلفاء و الملوك**، تحقیق شاکر محمود عبدالمنعم، بغداد، دار البیان، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م.

۴۹. غنی، قاسم، *تاریخ التصوف فی الاسلام*، ترجمه صادق نشأت، راجعه د. احمد ناجی القیسی، قاهره، مکتبه النهضة المصریه، ۱۲۹۰ ق / ۱۹۷۰ م.
۵۰. غنیمه، عبدالرحیم، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۵۱. فرصت شیرازی، محمد نصیر بن جعفر، *آثار عجم*، تهران، امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۷۷ ش.
۵۲. قربان‌نژاد، پریسا، «بانیان و مشایخ رباط‌های بغداد و تاثیر آنها در تصوف (قرن ۶ - ۷ ق)»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ش ۲۷، ص ۲۲۸ - ۲۰۵، تهران، ۱۳۹۹.
۵۳. کسائی، نورالله، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۵۴. محمد، سعاد ماهر، *مساجد مصر و اولیایها الصالحون*، مصر، وزاره الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه، بی تا.
۵۵. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق محمد بن یعقوب فیروزآبادی و علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
۵۶. مستوفی، حمدالله بن ابی بکر بن احمد قزوینی، *تاریخ گزیده*، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴ ش.
۵۷. مقرئ، احمد بن محمد، *فتح الطیب من غرض الاندلس الرطیب*، تحقیق یوسف بقاعی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م.
۵۸. المنذری، زکی الدین ابی محمد عبدالعظیم بن عبدالقوی، *التکملة لوفیات النقلة*، حقه بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۴ م.
۵۹. منہاج سراج، *طبقات ناصری تاریخ ایران و اسلام*، تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش.
۶۰. نسفی، عزیزالدین، *کشف الحقایق*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۴، ۱۳۸۶.
۶۱. هروی، محمد شعیب بن احمد، *موات الاولیاء*، ناشر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، بی تا.
۶۲. واعظ کاشفی، فخرالدین علی بن حسین، *رشحات عین الحیات*، تصحیح علی اصغر معینیان، تهران، بنیاد نیکوکاری نوریانی، ۱۳۵۶.
۶۳. یافعی، عبدالله بن اسعد، *مراة الجنان و عبرة الیقفان فی معرفة ما ینبیر من الحوادث الزمان*، تحقیق خلیل منصور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.